

آرٹ الاصلاح

آنندرام مخلص لاهوری
تألیف ۱۱۵۸ ق.

آرٹ
الاصلاح

مقدمہ و تصحیح
دکتر چندر شیکھر
دکتر حمید رضا قلیچ خانی
دکتر ہومن یوسفدهی

سرشناسه	: مخلص لاهوری، ۱۱۶۴-ق.
عنوان و نام پدیدآور	: مرآت الاصطلاح/ آندرام مخلص لاهوری؛ با مقدمه و تصحیح چندر شیکهر، حمیدرضا قلیچ خانی، هومن یوسفدهی.
مشخصات نشر	: تهران، نشر سخن، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۶۵۸ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۸۱۲-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: مخلص لاهوری، ۱۱۶۴-ق. - سرگذشتنامه
موضوع	: فارسی - واژه‌نامه‌ها - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: Persian language - Dictionaries - Early works to 20 th century
شناسه افزوده	: شیکهر، چندر
شناسه افزوده	: Shekhar, Chander
شناسه افزوده	: قلیچ خانی، حمیدرضا، ۱۳۴۷-
شناسه افزوده	: یوسفدهی، هومن، ۱۳۴۹-
رده‌بندی کنگره	: PIR۶۷۷۴/ی۷ ۱۳۹۵
رده‌بندی دیویی	: ۸۰۵/۸۰۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۰۴۳۴۰

مرآت الاصطلاح

مرآت الاصطلاح

تأليف ۱۱۵۸ق.

آندرام مخلص لاهوری

مقدمه و تصحیح:

دکتر چندر شیکھر

دکتر حمید رضا قلیچ خانی

دکتر هومن یوسفدهی



انتشارات سخن



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۴۸

فکس: ۶۶۴۰۵۰۶۲

www.sokhanpub.com

E.mail: info@sokhanpub.com

مرآت الاصطلاح

تألیف ۱۱۵۸ق.

آندرام مخلص لاهوری

مقدمه و تصحیح:

دکتر چندر شیکھر

دکتر حمیدرضا قلیچ خانی

دکتر هومن یوسفدهی

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: دایره سفید

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۸۱۲-۰

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰۴ و ۶۶۹۵۳۸۰۵

فهرست عناوین

- دیباچه (چاپ دوم) هفت
- مقدمه نه
- احوال و آثار رای آنندرام مخلص لاهوری پانزده
 - نام و شهرت و تخلص پانزده
 - تاریخ و محل تولد پانزده
 - نسب و نیاکان شانزده
 - خانواده و خویشاوندان شانزده
 - تربیت و تحصیلات هجده
 - شغل نوزده
 - مروری بر زندگی بیست
 - معاشران بیست و چهار
 - تاریخ و محل درگذشت بیست و پنج
 - وضع ظاهری خصوصیات اخلاقی بیست و پنج
 - خصوصیات اخلاقی بیست و شش
 - جایگاه ادبی بیست و هشت
 - آثار سی
- سالشمار زندگی آنندرام مخلص سی و شش
- معرفی مرآت الاصطلاح سی و هفت
 - تاریخ تألیف سی و هفت
 - ساختار کتاب سی و هشت
 - منابع مورد استفاده سی و هشت
 - امتیازات اثر سی و نه
 - گزارش نسخه‌ها چهل
 - نسخه‌های دیگر پنجاه و هشت
 - روش تصحیح پنجاه و هشت
 - سپاسگزاری شصت و یک

- دیباچه مؤلف ۱
- متن کتاب ۳
- پیوست ۱ ملخص بياض مخلص ۴۹۳
- پیوست ۲ ملتقط مناصب ۵۰۷
- نمایه ۵۱۳
- شرح احوال، نقل‌ها، فایده‌ها و لطیفه‌ها ۵۱۴
- واژه‌ها و اصطلاحاتی که ذیل سرواژه‌های دیگر آمده ۵۲۴
- واژه‌ها و عبارات هندی ۵۲۷
- اشخاص ۵۳۱
- جای‌ها ۵۳۹
- کتاب‌ها ۵۴۱
- اقوام، قبایل، مذاهب و فرق ۵۴۲
- جانوران و حشرات ۵۴۳
- گیاهان، میوه‌ها، داروها و عطرها ۵۴۵
- عناصر و مؤلفه‌های مدنی ۵۴۹
- اصطلاحات علوم، فنون، مشاغل و ملزومات آنها ۵۶۵
- کتاب‌نامه ۵۸۹

دیباچه چاپ دوم

درین کسادی دانش غمین نباید بود
که کار خویش هنر می‌کند اگر هنرست
محسن تأثیر

نخستین تصحیح انتقادی مرآت الاصطلاح در اوایل سال ۲۰۱۳ م. در دهلی انتشار یافت. کتاب در دو مجلد و دارای مقدمه‌ای در چهل صفحه به زبان انگلیسی بود. نایاب بودن کتاب در ایران، استقبال کم‌نظیر علاقه‌مندان، نقد و نظرهای سودمند و برگزیده شدن کتاب در «چهاردهمین دوره آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی» از جمله عواملی بود که سبب گشت تا کتاب را در تهران دوباره به نشر بسپاریم.

این کتاب در برگزیده اصطلاحات، توضیحات، مثل‌ها و آگاهی‌های ادبی و تاریخی دست اولی است که برخی را در منابع دیگر نمی‌توان یافت و بسیاری از نقل‌ها و اظهار نظرهای آندرام مخلص، بی‌شک برای نخستین بار در معرض داوری شیفتگان ادبیات فارسی قرار می‌گیرد. این کتاب بر فرهنگ‌هایی چون «بهار عجم» و «آندراج» فضل تقدّم دارد و از این رو پیش از تصحیح و انتشار متن فارسی‌اش، به انگلیسی ترجمه و در سال ۱۹۹۳ م. انتشار یافته است.

در چاپ کنونی با حذف مقدمه مفصل انگلیسی و بازبینی تمام کتاب، متن دوباره حروفچینی و توسط آقای بابک نوبهاری صفحه‌آرایی شد تا در یک مجلد تقدیم خوانندگان گردد. در چاپ حاضر کوشیده‌ایم تا با رفع اشتباهات راه یافته به چاپ هند و استفاده از نظرات و انتقادات سازنده صاحب‌نظران بویژه استادان ارجمند دکتر علی اشرف صادقی، دکتر مصطفی ذاکری و دکتر نعیم، متن منقّح‌تری از مرآت الاصطلاح را در اختیار پژوهشگران قرار دهیم.

نیک می‌دانیم که بیشتر فرهنگ‌های فارسی در شبه قاره هند تألیف و تدوین شده‌اند؛ آندرام مخلص این اثر را در سال ۱۱۵۸ ق. / ۱۷۴۵ م. در دهلی به پایان برده است و تقدیر بر این بود که تصحیح آن نیز در همان شهر به سال ۱۴۳۳ ق. / ۲۰۱۲ م. به پایان رسد.

به رسم احترام از ریاست محترم سازمان نسخ خطی هندوستان خانم پرفسور دیپتی تریپاتی که انتشار متون فارسی و عربی را وجههٔ همت خود قرار داده‌اند و خانم دکتر سنگ همیترا باسو مسئول روابط علمی - پژوهشی آن سازمان و آقایان عبدالمغنی و جمال، مدیران انتشارات دلی کتاب گهر (خانهٔ کتاب دهلی) که همگی امکان انتشار چاپ نخست این اثر را در دهلی نو فراهم کردند، تشکر می‌نماییم.

مدیر سخن‌پرور انتشارات سخن، آقای علی اصغر علمی، از نشر این اثر استقبال کردند، قدردان ایشان و خدمات بی‌شمار خاندان پر افتخار علمی در عرصهٔ چاپ و نشر هستیم. در پایان از استاد نجیب مایل هروی، دکتر امید سروری، دکتر احسان الله شکراللهی، دکتر بهروز ایمانی و آقای مهدی رحیم‌پور که با تشویق فراوان، خواستار نشر دوبارهٔ کتاب در ایران شدند، صمیمانه سپاسگزاریم.

مصححان

تیرماه ۱۳۹۵

مقدمه

سده دوازدهم هجری را دوره انقراض و افول پادشاهی تیموریان نامیده‌اند. دو دهه نخست این دوره همزمان بود با نیمه دوم پادشاهی اورنگ‌زیب عالمگیر پادشاه (حک: ۱۰۶۸-۱۱۱۸ ق.) که ۲۳ سال از دوران سلطنت او در جدال با مرهته غرب هند و دکن گذشت. نتیجه این جدال‌ها چیزی نبود، جز اتلاف مال و جان مردم، نارضایتی عمومی و در نهایت تضعیف پادشاهی تیموریان هند و میدان‌یافتن دشمنان ایشان.^۱

آندرام مخلص لاهوری که پدر و پدر بزرگش از راجه‌های منطقه لاهور و از ملازمان دربار بودند، در سال ۱۱۰۷ ق. دیده به جهان گشود و دوران کودکی خود را تا سن یازده سالگی در دوران نسبتاً آرام سلطنت همین پادشاه سپری کرد. ولی دوران تحصیل و نوجوانی و جوانی او یکی از خونبارترین دوران تاریخی هند بود.

پس از درگذشت اورنگ‌زیب عالمگیر پادشاه در سال ۱۱۱۸ ق.، در طی هفده سال یعنی تا سال ۱۱۳۳ ق. هفت بار تخت و تاج سلطنت دهلی دست به دست شد. محمد معظم شاه عالم بهادر (حک: ۱۱۱۸-۱۱۲۳ ق.) معروف به بهادرشاه اول پسر بزرگتر عالمگیر پادشاه که ۶۵ سال داشت، دو مدعی دیگر سلطنت یعنی برادرانش محمد اعظم شاه صوبه‌دار مالوه (مقتول ۱۱۱۹ ق.) و شاهزاده محمد کامبخش صوبه‌دار بیجاپور (مقتول ۱۱۲۰ ق.) را از میان برداشت؛ ولی سلطنتش چندان طولانی نشد و پس از پنج سال در هفتاد سالگی درگذشت.^۲

این بار فرزندان بهادر شاه به نام‌های جهاندار شاه، عظیم‌الشان، رفیع‌الشان و جهان‌شاه برای تصاحب تاج و تخت به جان هم افتادند و عاقبت معزالدین جهاندارشاه (حک: ۱۱۲۴ ق.) با حمایت ذوالفقار خان میربخشی بر برادران غلبه یافت و هر سه را به قتل رساند و علاوه بر این در طی سه روز بیست تن از شاهزادگان کشته و تعدادی هم زندانی شدند. لیکن با این همه مظالم، سلطنت او پا نگرفت و پس از ۹ ماه برادرزاده‌اش شاهزاده فرخ‌سیر (پسر عظیم‌الشان) با جلب حمایت دو برادر از امرای سادات بارهه یعنی سید حسن علی خان و سید حسین علی خان بر وی غلبه یافت و شاه و وزیرش ذوالفقار خان را به انتقام خون پدر و برادرش از دم تیغ گذراند و خود با عنوان محمد فرخ‌سیر پادشاه (حک: ۱۱۲۴-۱۱۳۱ ق.) بر تخت سلطنت جلوس کرد و به «فرخ‌شاه» اشتہار یافت.^۳

۱. نک: احقر، تاریخ ظفره، ۴۹-۵۲؛ بیل، مفتاح‌التواریخ، ۲۶۴-۲۶۵، ۲۹۳-۲۹۵؛ دانشنامه شبه قاره، ۱/ ۶۹۱-۶۹۵؛

کھویه‌های، تاریخ حسن، ۵۱۰-۵۵۲ و نیز ۱-۳ Irvin, William, Later Mughals,

۲. احقر، تاریخ ظفره، ۶۳-۶۵؛ بیل، مفتاح‌التواریخ، ۲۹۷-۲۹۸؛ دانشنامه شبه قاره، ۲/ ۹۳۶-۹۳۸؛ ذیل بهادرشاه اول؛

کھویه‌های، تاریخ حسن، ۵۵۴-۵۵۹، ۵۶۳

۳. احقر، تاریخ ظفره، ۶۵-۶۸؛ بیل، مفتاح‌التواریخ، ۲۹۹-۳۰۰؛ حارثی، تاریخ محمدی، ۳/ (۶۳)؛ آزاد، سرو آزاد، ۱۵۵-۱۵۷؛

کھویه‌های، تاریخ حسن، ۵۶۳-۵۶۵.

فرّخ سیر که سلطنت خود را وامدار جانفشانی‌های سادات بارهه بود، حسین‌علی خان را امیرالامرا و حسن‌علی خان را با عنوان عبدالله خان قطب‌الملک وزیراعظم خود کرد و در واقع تمامی امور سلطنت را به آندو سپرد. این دو برادر هم همهٔ مناصب حکومتی را بین خویشاوندان و هواداران خود تقسیم کردند و عملاً جز نامی از پادشاه باقی نماند. فرّخ سیر به تدریج از قدرت بی‌حد و حصر سادات بارهه و امر و نهی آنان به جان آمد و چون خود یارای مقابله با آنان را نداشت، از میان امرا رقبایی چون اعتقاد خان رکن‌الدوله و عبیدالله خان میرجمله برای آنان تراشید. بدین ترتیب در سال ۱۱۳۱ ق. اختلاف بین طرفین بالا گرفت و در نهایت سادات بارهه بر حریفان غلبه یافته، فرّخ‌شاه را محبوس و مکحول و مقتول کردند و شاهزاده رفیع‌الدّرجات (پسر رفیع‌الشّان) را بر تخت سلطنت نشاندند و خود بیش از پیش با قدرت به رتق و فتق امور پرداختند.^۱

محمدرفیع‌الدّرجات (حک: ۱۱۳۱ ق.) که از دوران حبس مریض و نحیف و معتاد به کوکنار بود، پس از سه ماه در رجب همان سال بدرود حیات گفت و بنا به وصیت او یکی از برادرانش به نام رفیع‌الدوله را از حبس بدرآوردند و با عنوان شاهجهان ثانی (حک: ۱۱۳۱ ق.) بر تخت نشاندند. از قضای روزگار رفیع‌الدوله نیز پس از سه ماه و چند روز سلطنت در ۷ ذیقعد ۱۱۳۱ ق. در حدود بیست سالگی درگذشت.^۲ سادات بارهه این بار شاهزاده روشن‌اختر (پسر جهان‌شاه) را با عنوان محمدشاه روشن‌اختر (حک: ۱۱۳۱-۱۱۶۱ ق.) بر تخت سلطنت نشاندند. در همین اثنا نظام‌الملک آصفجاه که در آن زمان حاکم مرادآباد بود، بر سادات بارهه شورید و دکن را که قلمرو امیرالامرا حسین‌علی خان بود، تصرف کرد. امیرالامرا به همراه پادشاه جدید که به روشن‌شاه اشتها یافت، به جنگ نظام‌الملک شتافت. لیکن در اردوی شاهی با توطئهٔ یکی از امرا به نام اعتمادالدوله محمدامین خان که از بستگان نظام‌الملک بود، به قتل رسید. نظام‌الملک به اردوی شاهی ملحق شد و همگی رهسپار فتح پایتخت شدند. قطب‌الملک که پس از مرگ برادرش آشفته شده بود، در اقدام متقابل برادر دیگر رفیع‌الدّرجات و شاهجهان ثانی را با عنوان ابراهیم شاه (حک: ۱۱۳۲-۱۱۳۳ ق.) بر تخت سلطنت نشاند؛ ولی نتوانست کاری از پیش ببرد و شاه و وزیر محبوس و مقتول شدند.^۳

بدین ترتیب محمدشاه روشن‌اختر معروف به «رنگیله» بار دیگر بر تخت سلطنت دهلی مستقر شد و در جمع ۳۰ سال سلطنت کرد. او هر پاره از قلمرو تیموریان را به امیری مقتدر سپرد که در عمل در صوبه‌های خود مختار کل بودند و خود در دهلی به شادکامی و شادخواری مشغول شد. آندرام مخلص لاهوری در ابتدای سلطنت محمدشاه، زندگی اجتماعی و سیاسی‌اش را آغاز کرد و در سال ۱۱۳۲ ق. پس از درگذشت پدرش راجه هردی رام و در حالی که ۲۵ سال بیش نداشت، به دربار تیموری راه یافت و مهمترین و ارزشمندترین سال‌های زندگی خود یعنی سی سال از عمر ۵۷ ساله‌اش را در دوران این پادشاه گذراند.

۱. حارثی، تاریخ محمدی، ۳۸/ (۶) ۳۹-۴۰؛ حقیر، تاریخ ظفره، ۶۵-۶۹؛ ییل، مفتاح‌التواریخ، ۲۹۹-۳۰۳؛ کوهی‌های، تاریخ حسن، ۵۶۵-۵۷۲

۲. کوهی‌های، تاریخ حسن، ۵۷۳

۳. همان، ۵۷۳-۵۷۷-۵۷۸؛ Irvin, William, Later Mughals, 75-92

دوران سلطنت محمدشاه روشن اختر دوران انحطاط کامل پادشاهی بزرگ تیموریان بود. دربار او صحنه رقابت امرا در کسب قدرت بیشتر و تقریب مداهنه‌آمیز نسبت به پادشاه بود. پادشاه نیز بیشتر وقت خود را با زنان و نوجوانان، دلقکان و لودگان، نوازندگان و رقاصان می‌گذراند و گرایش بسیاری به شراب و کباب، لهو و لعب، شوخی و تمسخر داشت. در چنین شرایطی بود که نادرشاه افشار (حک: ۱۱۴۸-۱۱۶۰ ق)، پادشاه مقتدر ایران، از طریق قندهار و لاهور به هند لشکر کشید. هندیان دیر هنگام به خود آمدند و با آنکه تقریباً تمامی امرای بزرگ هند با سپاهیان‌شان در کرنال گردآمده بودند، به جهت فقدان فرماندهی مقتدر و نافذالکلمه در ۱۵ ذیقعدۀ سال ۱۱۵۱ ق شکست خوردند. محمدشاه که در آستانه بیستمین سال سلطنتش قرار داشت، دشمن را تا پایتخت خود دهلی همراهی کرد.

نادرشاه در پی کشته‌شدن عده‌ای از سربازانش به دست عوام، در ۱۵ ذیحجه فرمان قتل عام اهالی دهلی را صادر کرد که اجرای این فرمان تا غروب آن روز ادامه یافت. نادرشاه ۵۸ روز در دهلی ماند و چون قصد بازگشت داشت، تاج و عنوان شاهی را برای محمدشاه باقی گذاشت و خود در ۸ صفر ۱۱۵۲ ق به همراه سپاهیان‌ش با بیش از هفتاد کرور وجه نقد و جواهراتی که از هندیان ستانده بود، از جمله تخت مرصع معروف به تخت طاووس، به ایران بازگشت.

محمدشاه روشن اختر ده سال دیگر به سلطنت خود ادامه داد و در آخرین سال زندگی‌اش با حمله احمدشاه درآنی پادشاه افغان مواجه شد؛ لیکن سپاه مهاجم با مقاومت سپاهیان تیموری شکست خورد و عقب‌نشینی کرد. محمدشاه در همین سال بدروود حیات گفت و فرزندش احمدشاه (حک: ۱۱۶۱-۱۱۶۷ ق) که ۲۱ سال بیشتر نداشت، بر تخت سلطنت جلوس کرد.^۱

سه سال آخر عمر آنندرام مخلص لاهوری در دوران سلطنت این پادشاه گذشت؛ ولی احتمالاً در این زمان به جهت بیماری‌اش، حضور چندانی در دربار نداشت. احمدشاه جوان که به شدت تحت تأثیر مادرش ملکه زمانی بود، با حمایت صفدرجنگ از امرای پدرش بر تخت سلطنت جلوس کرد؛ ولی در پی رقابت میان امرا در سال ۱۱۶۶ ق. او را بر کنار کرد و انتظام‌الدوله فرزند وزیر شهید پدرش اعتمادالدوله قمرالدین خان را به وزارت منصوب نمود. پس از آن امیرالامرا غازی‌الدین خان عمادالملک که نوه پسری نظام‌الملک آصفجاه و نوه دختری اعتمادالدوله بود،

۱. نک: حسنی، نزهةالخواطر، ۶/ ۲۵۸؛ حارثی، تاریخ محمدی، ۲/ (۶) ۱۴۱؛ بهگوان‌داس، سفینه هندی، ۱۸۰-۱۸۱؛ احقر، تاریخ ظفره، ۷۰-۱۰۷؛ بیل، مفتاح‌التواریخ، ۳۰۵-۳۰۷، ۳۱۷-۳۲۷؛ کهویه‌های، تاریخ حسن، ۵۷۴/۲-۵۷۸، ۶۰۱-۶۱۰، ۶۲۵ و نیز:

قدرتی یافت و در سال ۱۱۶۷ ق. احمدشاه را مجبور کرد تا فرمان وزارت را به نام او صادر کند و در همان روز احمدشاه (م. ۱۱۸۸ ق.) و مادرش را محبوس و مکحول کرد.^۱

آنچه گذشت، شمه‌ای از اوضاع سیاسی و اجتماعی آشفته و تأسفبار هند در دوران حیات آندرام مخلص بود. اما اوضاع ادبی هند به بدی اوضاع سیاسی آن نبود. با آنکه در ابتدای این سده اورنگ‌زیب عالمگیر پادشاه (حک: ۱۰۶۸-۱۱۱۸ ق.) عملاً شاعران و نویسندگان و نوازندگان را از دربار خود رانده بود و به مشایخ طریقت هم مجال عرض اندام نمی‌داد، با این حال در عهد او از هرگوشه هند شاعرانی برخاستند^۲ که یا به خدمت شاهزادگان و امرای کوچک و بزرگ محلی درمی‌آمدند و در ازای خدمات حکومتی و سپاهی، مقرری و مواجب دریافت می‌کردند و یا کاملاً دربار و زندگی اشرافی را ترک می‌نمودند. از این دسته معدودی در سرای خود می‌زیستند و صرفاً به واسطه علاقه و ارادت شاهزادگان و امرا مستمری مختصری دریافت کرده، به قناعت می‌زیستند و بسیاری دیگر در منازل و تکایا انزوا اختیار کرده، با دارایی موروث یا نذورات مردم در کنار مشایخ طریقت قانعانه می‌زیستند.

از این رو وضعیت جدید در عمل به رواج زبان فارسی در بین عامه مردم کمک کرد. در این دوران زبان و ادب فارسی که پیش از این تنها در میان طبقات ممتاز جامعه رواج داشت و زینت اهل علم و ادب بود، به به میان مردمی راه یافت که با علاقه در مجالس درس و بحث و مشاعره و نقد ادبی آنان حضور می‌یافتند و فرزندان خود را برای علم‌آموزی نزد آنان می‌فرستادند. آشوب روزگار نیز به طور طبیعی بازار مشایخ طریقت را گرم کرد و مردمانی که در فقر و فلاکت و ناامنی بسر می‌بردند، در تکایا و خانقاه‌ها به پیران طریقت پناه می‌بردند و به روح و جسم خود طعمای می‌رساندند.

در این دوران هندیان بسیاری از مسلمان و هندو به سرودن شعر فارسی و نظم مثنوی‌های کوتاه و بلند رغبت نشان دادند و برخی از آنان از جمله اسلم خان سالم کشمیری (م. ۱۱۱۹ ق.)، محمدافضل سرخوش (م. ۱۱۲۶ ق.)، عبدالقادر بیدل دهلوی (م. ۱۱۳۳ ق.)، بیغم بیراگی (م. ۱۱۳۲ ق.)، عبدالغنی بیگ قبول کشمیری (م. ۱۱۳۹ ق.)، لال‌شیو رام‌داس اکبرآبادی (م. ۱۱۴۴ ق.)، سید محمد شاعر بلغرامی (م. ۱۱۵۰ ق.)، میر شرف‌الدین پیام اکبرآبادی (م. ۱۱۵۰ ق.)، میر محمدعلی رایج سیالکوتی (م. ۱۱۵۰ ق.)، میر محمدافضل ثابت الله‌آبادی (م. ۱۱۵۱ ق.)، شاه فقیرالله آفرین لاهوری (م. ۱۱۵۴ ق.)، گرامی کشمیری (م. ۱۱۵۶ ق.)، غنیمت کشمیری (م. ۱۱۵۸ ق.)، میر محمدعظیم ثبات الله‌آبادی (م. ۱۱۶۲ ق.)، آندرام مخلص لاهوری (م. ۱۱۶۴ ق.)،

۱. نک: احقر، تاریخ ظفره، ۱۱۰-۱۲۶؛ بیل، مفتاح التواریخ، ۳۲۷-۳۳۴-۳۳۵؛ درگاه‌شاه، بوستان اوده، ۵۵-۵۷؛ شاکرخان،

تذکره شاکرخان، ۸۵-۹۳؛ کشمیری، بیان واقع، ۲۳۸-۲۴۸-۲۵۳-۲۶۹

۲. درباره شعر در عهد عالمگیر پادشاه نک: انصاری، نورالحسن، فارسی ادب بعهد اورنگ‌زیب، ۱۷-۳۵۵

سراج‌الدین علی‌خان آرزو (م. ۱۱۶۹ ق.)، فقیر دهلوی (م. ۱۱۶۳ ق.) و ... در میان اقران آوازه‌ای یافتند؛ هرچند که غالباً اشعارشان توسط شاعران ایرانی سفرکرده به هند، ضعیف و نارسا ارزیابی می‌شد. تفاخر و تکبر شاعران ایرانی که زبان شعر خود را معیار می‌دانستند و از محافل ادبی ایران بویژه اصفهان به هند آمده بودند، کار را به تقابل ادبی کشاند و بازار نقد ادبی گرم شد؛ ولی به تدریج نقد منصفانه جای خود را به نقد مغرضانه داد و کار به عیب‌جویی و تهمت و توهین کشید. در این دوران شاعران و ادیبان هندی دو دسته شدند: گروهی که زبان ایرانیان را زبان معیار می‌دانستند، به هواداری شاعران ایرانی برخاستند و گروهی دیگر به دفاع سرسختانه از شاعران هندی ادامه دادند. هر دو گروه اشعار یکدیگر را با ریزی نقد می‌کردند و در ردّ و قبول این نقدها کتاب‌ها و رساله‌هایی نوشته شد که اکنون همین آثار از گنجینه‌های ارزشمند ادبیات فارسی محسوب می‌شود.

در این سده خلق آثار منثور فارسی همچنان رونق داشت و هندیان و نیز ایرانیان مهاجر آثار گوناگونی را در قالب رقعات و منشآت، کتاب‌های تاریخ و داستان، تذکره و فرهنگ لغات و نیز شرح و نقد از خود به یادگار گذاشتند که اشاره‌وار از برخی از این آثار که مقارن با حیات اندرام مخلص تألیف شده‌اند نام می‌بریم:

در موضوع تاریخ می‌توان از تاریخ مفصلی اثر سید مفضل خان، فرخ‌سیر نامه اثر محمد احسن ایجاد سامانوی (تألیف ۱۱۲۴ - ۱۱۳۱ ق.)، مقتل السلاطین اثر ارادت خان واضح (م. ۱۱۲۸ ق.)، تاریخ فتح قلعه ستاره اثر میر عبدالجلیل بلگرامی (م. ۱۱۳۸ ق.)، منتخب اللباب اثر محمد هاشم خوافی (تألیف ۱۱۴۴ ق.)، تاریخ محمدشاهی یا نادرالزمانی اثر خوشحال چند (تألیف ۱۱۵۴ ق.)، بدایع وقایع از اندرام مخلص (تألیف ۱۱۶۱ ق.) و ... نام برد.

در نگارش تذکره و شرح حال وزراء، امراء، شعراء، نویسندگان و صوفیان آثار ذیل قابل ذکرند: کلمات الشعراء اثر سرخوش (م. ۱۱۲۶ ق.)؛ همیشه‌بهار اثر اخلاص شاهجهان‌آبادی (تألیف ۱۱۳۶ ق.)؛ سواطع الانوار در معرفی مشایخ چشتیه اثر محمد اکرم (تألیف ۱۱۳۵ - ۱۱۴۲ ق.)؛ حیات الشعراء اثر متین کشمیری (تألیف حدود ۱۱۴۰ ق.)؛ سفینه خوشگو از بندر ابن داس خوشگو (تألیف ۱۱۳۷ - ۱۱۴۷ ق.)؛ ارشادالوزراء اثر صدرالدین محمد مخاطب به زبردست خان (اواسط سده ۱۲)؛ تذکره حسینی از میر حسین دوست سنهلی (تألیف ۱۱۶۳ ق.)؛ مجمع‌النفایس اثر علی خان آرزو (م. ۱۱۶۹ ق.)؛ روضة الاولیاء، ید بیضا، مآثر الکرام، سرو آزاد از آزاد بلگرامی (م. ۱۲۰۰ ق.) و ...

در زمینه فرهنگ‌نویسی می‌توان از کتاب‌های لغات عالمگیری از فاضل محمد دهلوی (تألیف ۱۱۱۹ ق.)؛ لغات فارسی از مؤلفی ناشناخته (تألیف ۱۱۳۰ ق.)؛ مفتاح گلستان از خواجه ابوالفیض معین‌الدین (تألیف ۱۱۳۵ ق.)؛ حجت ساطع از ساطع کشمیری (م. ۱۱۴۳ ق.)؛ محموداللغات از محمود بن شیخ عبدالواحد (تألیف ۱۱۵۰ ق.)؛ سراج‌اللغه (سراج‌اللغات)، چراغ هدایت و نوادرالالفاظ هر سه از خان آرزو (م. ۱۱۶۹ ق.)؛ آیین عطا (آب حیات) از دانشور خان ندرت کشمیری (نیمه دوم سده دوازدهم)؛ تألیف‌اللغات از محمدقاسم منشی (تألیف ۱۱۵۹ ق.)، بهار عجم (تألیف ۱۱۶۲ ق.) و ...^۱

در مقوله داستان‌نویسی و ضبط حکایات می‌توان از کتاب‌های ذیل یاد کرد: رامایانا (ترجمه از هندی) اثر امرسینگ (تألیف ۱۱۱۷ ق.)، شعله آه (ترجمه از هندی) اثر منشی غیوری (حدود ۱۱۱۹-۱۱۲۴ ق.)، تحفه‌الحکایات اثر برهمن حصاری (تألیف ۱۱۲۳ ق.)، بدایع‌الدهور اثر بیدل دهلوی (م. ۱۱۳۴ ق.)، دبستان خرد اثر محمداسماعیل خان سامی مخاطب به نعمان خان (تألیف ۱۱۳۵ ق.)، رنگین بهار اثر رای کرپادیال سیالکوتی (تألیف ۱۱۵۵ ق.)، قصه نوروزشاه اثر اودیت‌چند کایسته (تألیف ۱۱۵۷ ق.)، قصه هیرورانجها (به نظم و نثر) اثر منسارام (۱۱۱۵۷ ق.)، بوستان خیال اثر میر محمدتقی خیال احمدآبادی (تألیف ۱۱۵۵-۱۱۶۹ ق.)، کارنامه عشق و هنگامه عشق اثر رای آنندرام مخلص (م. ۱۱۶۴ ق.) و ...

به یقین آثاری که از شعرا و نویسندگان این دوره از تاریخ هند بر جای مانده، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی ارزشمند و قابل توجه است و این آثار با توجه به پرآشوب بودن اوضاع سیاسی و نامطلوب بودن اوضاع اقتصادی، کارنامه‌ای درخشان برای شعرا و نویسندگان این دوره محسوب می‌شود.